روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۲۰۹۵۹۳ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵- ۶۶۲۷۲۱۳۰ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه • ۲۷ خرداد ۱۳۹۵ • ۱۰ رمضان ۱۴۳۷ • ۱۶ ژوئن ۲۰۱۶ • سال سیزدهم • شماره ۲۶۰۹ • ۲۰ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۵ • اذان مغرب ۲۰:۴۳ • اذان صبح‌فردا ۴:۰۱ • طلوع آفتاب ۵:۴۸

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

ماجرای عشق و عاشقی میدون

چتوری درصط بنویصیم؟

پوریا عالمی

● سوفیا داریم به کجا می‌رسیم؟ دیروز دوستم در چت (که البته دوست معمولی هستیم، نه، راستش را بخواهی دوست اجتماعی هستیم، راستش را می‌گویم و اصلا از آن دوست‌های اینترنتی که تلویزیون می‌گوید آدم تا باهاشان چت کند ایدز می‌گیرد، نیست)، گفت این فیلم رو دیدی که درباره فیس‌بوک و اینستاگرامه؟

گفتم: نه. کدام؟

گفت: همین فیلم «اِدِت نمی‌کنیم».

خواستم بگویم چنین فیلمی خاطرم نیست که یادم به فیلم «عادت نمی‌کنیم» افتاد که کلمه عادت را ااااااااادت نوشته است.

بعد یادم افتاد که فیلم «طبقه حساس» هم کلمه حساس را هساث نوشته بود. دیروز هم توی بزرگراه مدرس دیدم برای تبلیغ اصل‌بودن یک قطعه، کلمه «اصل» را بزرگ «اسل» نوشته‌اند.

چند تصویر هم از نامه‌های اداری در اینترنت منتشر شده بود که غلط املایی بسیار داشت.

توی اینترنت هم مال من را می‌نویسند «ماله من» و که را می‌نویسند ک و خُب را می‌نویسند خو و رئال‌مادرید را می‌نویسند ریال‌مادرید.

چندروز پیش هم که یک استادتمامی آمده توی برنامه علمی - احساساتی ماه عسل و با نشان‌دادن تصویر سحابی هیلیکس گفته این عکس تخمک است زیر میکروسکوپ و بعد به صورت علمی ثابت کرده که تخمک مثل کره زمین حرکت دورانی دارد. حالا شانس آوردیم عکس کهکشان راه شیری را نشان نداده و نگفته که این عکس تخمک است چون آدم از فردا که به آسمان خیره می‌شود معذب می‌شود.

علاوه بر اینها دیشب - پریشب هم امیر دولاب، جوان ۲۶ساله خورموجی، با اضافه‌کردن نام خودش به ویکی‌پدیای استادیوم شهر نیس، گزارشگر تلویزیون را به اشتباه انداخت و گزارشگر معماری استادیوم را اثر مهندس ایرانی، آقای دولاب امیر، معرفی کرد!

خلاصه ما در وضعیت عجیبی به‌سر می‌بریم و از شش جهت زیر بارش اطلاعات غلط و غلط‌های املایی و دستوری و علمی هستیم.

نتیجه‌گیری ۱: همین‌توری پیش به‌رود عز این بع بعد باید منططر یک ذبان جدید باشیم که به نذر ما هیچ عیرادی ندارد و چه‌بصا رطبه ما را در کره ظمین افضایش دهد و کم‌کم بگویند صرضمینی وجود دارد به نام عیران که دقیقعن مالوم نیصط مردمش چه می‌گویند.

نتیجه‌گیری ۲: آن‌وقت سوفیا اگر کار به اینجاها کشید تکلیف عشق چه می‌شود؟ من به چه زبانی بهت بگویم دوستت دارم؟

نتیجه‌گیری ۳: جهان الان مشغول رصد بارش شهابی برساوشی و نوری شمالی است، ما باید نگران بارش بی‌وقفه اطلاعات غلط باشیم.

پیشخوان

● شماره جدید نشریه «نگاه نو» با نگاه ویژه به «میراث فرهنگی ایران» منتشر شد. در شماره ۱۰۹ ماهنامه درباره میراث فرهنگی، پرونده‌ای کامل تهیه شده است، مطالبی مانند گفت‌وگو با مهدی حجت (نمی‌دانیم ایرانی‌بودن یعنی چی...) و داستان یک شهر در این نشریه به چشم می‌خورد؛ درعین‌حال مطلبی درباره گتسبی بزرگ از منظر سرمایه‌داری در کنار مطالبی از پرویز دوایی و جواد مجابی، محمدحسین خسروپناه و دادبه و... به چاپ رسیده است. این شماره با ۲۶۰ صفحه، ۱۵ هزار تومان قیمت دارد و طبق معمول با مدیرمسئولی علی میرزایی به چاپ رسیده است.

● شماره خردادماه ماهنامه «شهرکتاب» منتشر شد؛ با پرونده‌ای ویژه هوشنگ گلشیری در سالروز چشم فروبستن او. در این پرونده ابعاد شخصیتی و ادبی گلشیری بررسی شده است و چند نفر از نویسندگان معاصر ایران درباره او نوشته‌اند. همچنین در این شماره نغمه ثمینی درسگفتاری درباره نمایش‌نامه‌نویسی دارد و محمد محمدعلی در گفت‌وگوی بلندی از داستان‌نویسی امروز ایران سخن گفته است. امید روحانی و کاوه میرعباسی هم درباره تحولات ژانر و سینمای ایران به گفت‌وگو نشسته‌اند. یکی دیگر از پرونده‌های مهم این شماره شهر کتاب، داستان کارخانه «مینو» است. کارخانه‌ای نوستالژیک که سال‌ها پیش رونق بسیاری داشت و حالا در این پرونده، از علی خسروشاهی، بنیان‌گذار این کارخانه سخن به میان آمده است. این شماره همچنین یک برگ برنده هم برای خوانندگان خودش دارد؛ داستان‌هایی از ابراهیم گلستان، محمد محمدعلی و الیف شافاک که ارسلان فصیحی آن را ترجمه کرده است. از دیگر بخش‌های خواندنی این شماره، مروری بر کارنامه «جمعیت نسوان وطن‌خواه»، قدیمی‌ترین تشکل دفاع از حقوق زنان در ایران است.

کارتون خواب

مهدی معتضدیان (دیان)

motazedian.mehdi@yahoo.com

پروژه های مسکونی ناتمام احیا خواهند شد

واکنش

من یک قاتل اجیر کرده‌ام

در پی گفت‌وگو با محمد بلوری درباره سرقت از یکی از گزارش‌هایش، رضا حیدرنژاد، نویسنده و کارگردان فیلم سینمایی عشق شیشه‌ای، مطلبی را ارسال کرده است که در پی می‌آید:

احتراما با توجه به چاپ مطلبی در شماره ۲۶۰۱ مورخ سه‌شنبه ۹۵/۳/۱۸ آن روزنامه وزین، تحت عنوان «قصه‌ام را دزدیده‌اند و با آن فیلم ساخته‌اند» خواهشمند است جوابیه زیر را در رابطه با ادعای کاملا کذب و دروغین آقای محمد بلوری، مطابق قانون مطبوعات به چاپ رسانند.

در مطلب مورد اشاره، آقای محمد بلوری که این‌جانب هیچ‌گونه آشنایی‌تی حتی با نام ایشان ندارم، مدعی شده‌اند که چندروز پیش و به‌طوراتفاقی در تلویزیون یک فیلم سینمایی دیده‌اند که قصه آن کپی نعل‌به‌نعل از داستانی بوده که ایشان در سال ۱۳۷۴ در مجله تپش منتشر کرده‌اند و در ادامه با الفاظ و اتهاماتی در شأن خودشان داد سخن سر داده‌اند که دزدی آثار فرهنگی در روز روشن به یک امر طبیعی بدل شده و فیلسوف‌مآبانه از این موضوع ابراز نارضایتی و دلتنگی کرده و «رابین‌هود»وار فریاد برآورده‌اند که ایشان نه به‌خاطر خودشان، که سن‌وسالی ازشان گذشته، بلکه به‌خاطر جوانان و دیگرانی که آثارشان به سرقت می‌رود موضوع را علنی کرده‌اند. شگفتا که این ادعا نه از جنس شخصیت رابین‌هودوار ایشان که بیشتر از نوع ادعاهای روباه... است.

چراکه ادعای اینکه چندروز پیش و به طور اتفاقی (تاکید می‌کنم) چندروز پیش و به طور اتفاقی فیلم را دیده‌اند، کذب‌محض است و ایشان در همان سال‌های اول نمایش فیلم «عشق شیشه‌ای» ادعای مشابهی را در هیأت داوری خانه سینما مطرح کردند که جواب کتبی لازم توسط بنده مبنی‌بر کذب‌بودن ادعای نام‌برده به هیأت مربوطه داده شد و قرار شد موضوع در جلسه‌ای با حضور طرفین مورد بررسی قرار گیرد.

ولی ایشان هرگز در جلسه هیأت داوری خانه سینما حاضر نشد و دیگر هیچ‌گاه موضوع را پیگیری نکرد. عجیب‌تر اینکه ایشان حتی در جواب خبرنگار که می‌پرسد درباره این اتفاق (سرقت داستانتان) با صداوسیما یا نهاد صنفی سینما تماس داشته‌اید؟ با صراحت تمام می‌گوید، تماس بگیرم که چه؟ آیا کتمان واقعیتی به این آشکاری، که قطعا مدارک آن در هیأت داوری خانه سینما وجود دارد به‌تنهایی برای اثبات ادعای دروغین ایشان کافی نیست؟ ای‌کاش ایشان در توهم همان شخصیت رابین‌هودی خود باقی می‌ماندند و موضوع را دوباره علنی نمی‌کردند.

با توجه به مطالب فوق، هرچند نیازی به پاسخ بیشتر برای ادعای ایشان نیست ولی جهت روشن‌شدن اذهان خوانندگان محترم، لازم می‌دانم یادآوری کنم اصل داستان مورد ادعا، یعنی ناکام‌ماندن جوانی در خودکشی و توافق با قاتل حرفه‌ای و در نهایت پشیمانی وی از مردن، برگرفته از فیلمی تحت عنوان «من یک قاتل اجیر کرده‌ام» به کارگردانی آکی کوریسماکی فنلاندی در سال ۱۹۹۰ میلادی (یعنی سال ۱۳۶۹ شمسی) است که در یکی از دوره‌های جشنواره فیلم فجر (دوره دقیق آن را به خاطر ندارم) به نمایش درآمد و داستان آن مورد توجه اهل قلم و اهالی سینما قرار گرفت. به‌طوری‌که غیر از بنده چند نفر دیگر از همکاران سینمایی، بنا بر اظهارات خودشان مدتی روی داستان مشابه کار کردند.

توضیح دیگر اینکه بنده هرگز فیلم مورد اشاره را هم ندیده‌ام و نحوه آشنایی من با این داستان از طریق دوستی بود که قبل از رفتن به جشنواره و دیدن فیلم از آن تعریف می‌کرد.

از او پرسیدم مگر داستان فیلم چیست؟ و او خلاصه یک‌خطی داستان را که در کاتالوگ جشنواره خوانده بود این‌گونه برایم تعریف کرد: مردی بعد از اخراج از کارش، دچار شک شده و تصمیم به خودکشی می‌گیرد، ولی موفق نمی‌شود، به‌ناچار قاتلی برای کشتن خود استخدام می‌کند... . آن دوست به دیدن فیلم رفت و این خط داستانی در پس ذهن من باقی ماند بی‌آنکه هرگز خود فیلم را دیده باشم.

حال سؤال این است، چگونه کسی که خود احتمالا خط داستانی‌اش را از جای دیگری به عاریه گرفته، می‌تواند مدعی سرقت اثرش توسط شخص دیگری باشد؟ آیا همه کسانی که تا امروز اقتباس‌ها و برداشت‌های متعددی از داستان‌های مختلف جهان ازجمله داستان «جنایت و مکافات» داستایوفسکی انجام داده‌اند، می‌توانند مدعی شوند که دیگران متن آنها را به سرقت برده‌اند؟ بماند... .

البته بنده هم اعتقاد دارم که متأسفانه سرقت آثار فرهنگی و هنری و همچنین تهمت و افترا به دیگران، این روزها در جامعه به امری کاملا طبیعی بدل شده و ای کاش می‌شد تمام کسانی را که دست به چنین کارهایی می‌زنند تا از این راه نانی و نامی برای خود دست‌وپا کنند در مخمصه و مکافات انداخت تا بفهمند به‌راحتی نمی‌توانند دست به چنین کاری بزنند. ای کاش... .

نگاه

چند پرسش درباره فیلم‌هایی که در ماهواره تبلیغ می‌شوند

بهمن کشاورز

حقوق‌دان

یک) صورت مسئله بر مبنای شنیده‌ها و خوانده‌ها این است که فیلم‌هایی که تبلیغ آنها از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای خارجی پخش شود، ممکن است- باوجود اینکه مجوزهای لازم برای آنها صادر شده است- توقیف و از اکران برداشته شوند. دراین‌باره توجه به مواردی لازم است.

دو) این بحث مطرح است که آیا این‌گونه تبلیغ‌ها صرف نظر از اینکه تبلیغ‌کننده چه کسی یا شخصی باشد، وصف مجرمانه دارد یا خیر؟ با توجه به اینکه تبلیغ این فیلم‌ها از منابع و مبادی داخلی هم پخش و عرضه شده و می‌شود، ظاهرا نفس تبلیغ بلامانع است و اگر مشکلی هست ناشی از «مبلغ» است، نه تبلیغ؛ بنابراین اگر توافق و مذاکره‌ای هم دراین‌باره صورت گرفته باشد، برخورد قضائی با سازندگان فیلم درخور تأمل خواهد بود، زیرا برای انجام کاری مباح و بلااشکال توافق کرده‌اند.

به طریق اولی، اگر هیچ قرارداد و توافقی بین فیلم‌ساز و ماهواره احراز نشود- که ظاهرا نشده است- آن‌گاه ایجاد اشکال برای فیلم‌سازی که فیلم مجاز ساخته پذیرفتنی نخواهد بود.

سه) آنچه در سطح ملی و کشوری ممنوع است، نگاهداری ابزارهای دریافت از ماهواره‌هاست. واضح است فیلم‌سازان در این زمینه گناهی یا تقصیری ندارند و قانون مورد بحث به‌هرحال و با همه مسائلی که درباره آن مطرح است، لازم‌الاجراست و اجرا هم می‌شود. اینکه وجود این قانون و اجرای آن تا چه حد بازدارنده بوده و اگر نبوده چرا نبوده، بحث جداگانه‌ای است، زیرا در اینکه این قانون اجرا شده است و می‌شود- و بسیار شدید هم می‌شود- تردیدی نیست، همچنان که در موارد بسیار دیگری قوانینی وجود دارد و به‌شدت هم اجرا می‌شود؛ اما بازدارندگی کافی ندارد.

چهار) در ضمن این سؤال را هم می‌توان طرح کرد که وقتی فیلمی با گذشتن از مراحل مختلف ممیزی، سرانجام اجازه پخش می‌گیرد و مفهوم این اجازه این است که از دیدگاه حکومت و نظام، ایرادی و اشکالی بر آن وارد نیست، چرا تشکیلات صداوسیمای خودمان به صورت مأجور و در قبال گرفتن وجه بعضی از آنها را تبلیغ نمی‌کند تا برای مثال اشخاصی در خارج از کشور به تبلیغ مجانی آنها نپردازند؟!

البته شاید این اقدام را باید توصیه کرد که مقامات ایرانی در خارج از کشور درباره استیفای حقوق هنرمندان ایرانی به‌ویژه فیلم‌سازانی که آثار آنها بدون رعایت و ایفای حقوق‌شان در ماهواره‌ها پخش می‌شود قدمی بردارند.

شش) به‌طورکلی به نظر می‌رسد بسیاری از ما باید با جلوه‌های گوناگون ذهن انسان‌ها به‌ویژه هنر هفتم که تأثیری انکارناپذیر در فرهنگ‌سازی دارد، آشتی کنیم. چگونه است که دیگران آثار هنرمندان ما را تحسین و تأیید می‌کنند و ما اگر همین آثار را تقبیح نکنیم، حداقل بی‌اعتنایی در پیش می‌گیریم.

خلاصه اینکه تا آنجایی که به فیلم‌سازان اعم از تهیه‌کننده و کارگردان و دیگر عوامل تهیه یک فیلم مربوط می‌شود، این مجموعه مشتمل بر جرمی نیست تا درباره آن مقوله مباشرت، معاونت یا شرکت بتوان بحث کرد، از آنجایی که اقدامات محدودکننده آزادی- به معنای اعم- لزوما باید مسبوق به احراز وقوع جرم و صدور حکم از مرجع قضائی باشد، عنوان منع پخش این فیلم‌ها مجهول است.

همین حوالی

«۱۲۳» زنان را پررو می‌کند

● **شرق:** رئیس مرکز فوریت‌های اجتماعی سازمان بهزیستی کشور از هم‌وطنان خواست تا خشونت علیه همسر را به تلفن اورژانس اجتماعی با شماره تماس ۱۲۳ اطلاع دهند تا کمک‌های لازم برای آنان انجام شود؛ البته همین شماره نیز برای اعلام کودک‌آزاری‌ها انتخاب شده است. قرار است مرکز مداخله در بحران، تیم‌های سیار و کارشناسان خط تلفنی اورژانس اجتماعی به موارد خشونت علیه همسر و همسرآزاری رسیدگی کنند. کارشناسان در مواقع همسرآزاری تلاش می‌کنند با مذاکراتی که با زن و شوهر انجام می‌شود، کمک کنند و درصورتی‌که مشکل، خیلی حاد شود، از طریق مشاور حقوقی به آنان خدمات ارائه شود. این مرحله‌به‌مرحله پیش‌رفتن شاید روال اداری‌ای باشد که در این زمینه انجام شود هرچند این افراد اجازه ورود به هیچ منزلی را ندارند و خیلی از ما مردم هم درباره وجود وچگونگی ارتباط با آنان اطلاع نداریم. حتی به گفته این مسئول، هستند کسانی که این خدمات اندک را سبب «طلبکارشدن جنس مؤنث از جنس مذکر» می‌دانند و مسئولی درگفت‌وگو با ایرنا در کمال ناباوری برای توصیف از واژه «پررو» استفاده کرده و ادامه داده است: «برخی از مردان هم معتقدند که زنان با این خدماتی که دریافت می‌کنند، به‌اصطلاح «پررو» می‌شوند».سال گذشته ۱۲هزار و ۱۵۹ مورد همسرآزاری گزارش شد؛ اما درباره «اعظم» و اتفاقاتی که برایش افتاده، به این اورژانس مراجعه نشد. در گزارشی که سینا قنبرپور درباره این زن آسیب‌دیده در ماهنامه زنان امروز نوشته و در کنار گفت‌وگو با مرضیه محبی، وکیل اعظم، به چاپ رسیده است، این مطلب هم مطرح شده که فقط پرسش درباره مواد قانون نیست؛ ماجرای سختی اثبات شکنجه ازسوی شوهر نیز مطرح است و اگر کسی از همسایه‌ها و کسی از مردم می‌دانستند و به این اورژانس مراجعه می‌کردند، شاید ماجرا کمی بهتر پیش می‌رفت. شاید اگر پلیس‌هایی که آمدند، قضایا را فقط مشکل زناشویی نمی‌دیدند و حداقل خودشان با این مرکز تماس می‌گرفتند، ماجرا شکل دیگری به خود می‌گرفت. به نظر می‌رسد فقط برخی از مردم نیستند که از این مرکز اطلاع ندارند حتی مراکز پلیس یا دیگر نهادها هم بی‌اطلاع‌اند و لزوم آموزش و یادآوری به این افراد هم احساس می‌شود. شاید اگر زمانی که با ۱۱۰ تماس می‌گیرند، پلیس مربوطه با این اورژانس اجتماعی هم تماس بگیرد که قدمی بزرگ برداشته می‌شود و مطالبه حقی که از آن زنان است، پررویی تلقی نمی‌شود.

عجایب غرایب

مدیر یک هتل در مشهد: عرب کار نیستیم!

سعید برآبادی: روابط متلاطم ایران و عربستان، هر روز زاویه‌ای تازه به خود می‌گیرد، خصوصا آنجا که نام شهر مشهد در میان باشد. بخش عمده‌ای از مسافران شهر مشهد در یک دهه اخیر، عرب‌هایی بوده‌اند که عموما از کشور عربستان بحرین، لبنان، کویت، امارات متحده عربی و قطر می‌آمدند. حالا اما فشار دولت عربستان، سفر شهروندان این کشور را به ایران و خصوصا شهر مشهد (و همچنین شیراز، اصفهان و شهرهای شمالی ایران) با مشکل جدی مواجه کرده است و از آن سو، بازاری که در این سال‌ها به خاطر مشتریان عرب زبان ایجاد شده بود، شرایط خوبی را پشت‌سر نمی‌گذاشت. در چنین اوضاع و احوالی، یک هتل معروف و مشهور در مشهد، چند سالی است از پذیرش مسافران عرب‌زبان خودداری می‌کند. مدیر هتل تارا به «شرق» می‌گوید حدود ۱۰ سال است میهمانان عرب‌زبانی را که به صورت گروهی قصد اقامت در این هتل دارند پذیرش نمی‌کند: «علت این تصمیم به گذشته برمی‌گردد؛ در آن سال‌ها، ما به خاطر اختلافات فراوان فرهنگی بین مسافران ایرانی و عرب‌زبان‌هایی که به مشهد می‌آمدند، تصمیم گرفتیم از پذیرش آنها خودداری کنیم. متأسفانه فرهنگ عرب‌ها خصوصا در بحث نوع پوشش در داخل هتل، نحوه معاشرت با میهمانان دیگر، برخورد تاریخی عرب‌زبان‌ها با اقوام دیگر که نگاهی از بالا به پایین دارند، برخوردهای نه‌چندان دوستانه با خدمه و سایر میهمانان و همچنین رعایت‌نکردن کامل بهداشت شخصی با فرهنگ ما همخوانی ندارد و همان زمان دریافتیم یک هتل برای آنکه موفق باشد باید به‌اصطلاح «عرب‌کار» باشد یا صرفا ایرانی‌ها را پذیرش کند». فریدالدین عطار به تجربیات هتلداری در مشهد اشاره می‌کند و می‌گوید: «عرب‌ها براساس فرهنگی که دارند، اصولا شب‌ها بیدارند و صبح‌ها می‌خوابند؛ در اتاق‌های هتل قلیان می‌کشند و این موضوع باعث خسارات فراوانی در هتل‌ها می‌شود و گاهی نوع پوشش‌شان در فضای هتل به اندازه‌ای با عرف اجتماعی ما فاصله دارد که اعتراض میهمانان ایرانی هتل را برمی‌انگیزد. به خاطر همه این موارد به این نتیجه رسیدیم به دلیل اصول کار گردشگری که حقی برای نژادپرستی برای احدی قائل نیست و ما هم شدیدا آن را محکوم می‌کنیم، بهتر است با این بهانه که هتل جایی برای پذیرش ندارد، از میزبانی میهمانان عرب زبان خودداری کنیم». البته با احترام به میهمانان عرب‌زبان ایرانی که با افتخار میزبان آنها از گذشته تا حال بوده و هستیم، روی سخن فقط با میهمانان کشورهای عربی است.

شهری که بیش از ۶۰ درصد اقتصاد گردشگری‌اش توسط میهمانان عرب زبان تأمین می‌شده است، حالا با مشکلات تازه‌ای دست‌وپنجه نرم می‌کند. آن‌طور که عطار می‌گوید امروز مسافران عرب زبانی که به مشهد می‌آیند، چه از نظر ملیت و چه از نظر سطح اجتماعی دستخوش تغییر فراوانی شده به‌طوری‌که بیشترین مسافران فعلی مشهد از طبقات پایین اجتماعی کشور عراق می‌آیند و عموما هتل‌های یک، دو و گاهی سه ستاره را برای اقامت انتخاب می‌کنند.

درحالی‌که عطار می‌گوید هتل او، «عرب کار» نیست؛ در چند ماهه اخیر، بسیاری از هتل‌های بزرگ در مشهد با مشکل واردنشدن شهروندان عربستان مواجه شده‌اند. در مشهد، چند هتل معروف با طراحی‌ای نزدیک به سلیقه عرب‌ها، راه‌اندازی شده‌اند که معلوم نیست چطور باید خود را با شرایط جدید کشور عربستان در اعطای روادید به شهروندانش هماهنگ کنند. در این میان چند هتل هم در مشهد مشغول به فعالیت‌اند که اصولا صاحبانی ایرانی‌تبار اما ساکن کشوری عربی دارند؛ اینها هم باید برای آینده پر تلاطم روابط ایران و عربستان خود را آماده کنند. با این حساب، شاید تصمیم مدیریت هتل «تارا» در بخشیدن عطای پذیرش میهمانان عرب به لقای آن، تصمیمی دوراندیشانه‌تر بوده است.

از سوی دیگر، مشهد با یک مشکل تازه دیگر نیز مواجه است و آن چگونگی مواجهه با تغییری است که در این سال‌ها، مسافران عرب‌زبان بر ساختار و زیرساخت‌های این شهر تحمیل کرده‌اند. یکی از کارشناسان شهری مشهد به «شرق» می‌گوید در یک دهه اخیر سیل ورود مسافران عرب‌زبان، باعث به‌وجودآمدن بازاری متفاوت با سلیقه ایرانی‌ها، در مشهد شده و خدماتی چون میدل باس‌های شیک، اینترنت وایرلس در همه جا، پورسانت‌های معرفی مسافر به رستوران‌ها، هتل‌ها و حتی بازارها اقتصاد مشهد را به شدت تغییر داده است. حال سؤال اینجاست، شهری که بیشترین درآمد هتل‌های ۳، ۴ و ۵ ستاره‌اش را از طریق مسافران عرب‌زبان تأمین می‌کرده است، بعد از قطع رابطه ایران و عربستان و تعدیل نیروی هتل‌ها تا سقف یک‌پنجم قبل، اکنون می‌تواند به دنبال گردشگری تازه باشد.

عکس روز

یورو۲۰۱۶ زیر سایه تدابیر امنیتی

حمله تروریستی به پلیس در فرانسه باعث شد دولت این کشور تمهیدات امنیتی در این کشور را در جریان بازی‌های جام ملت‌های اروپا افزایش دهد.

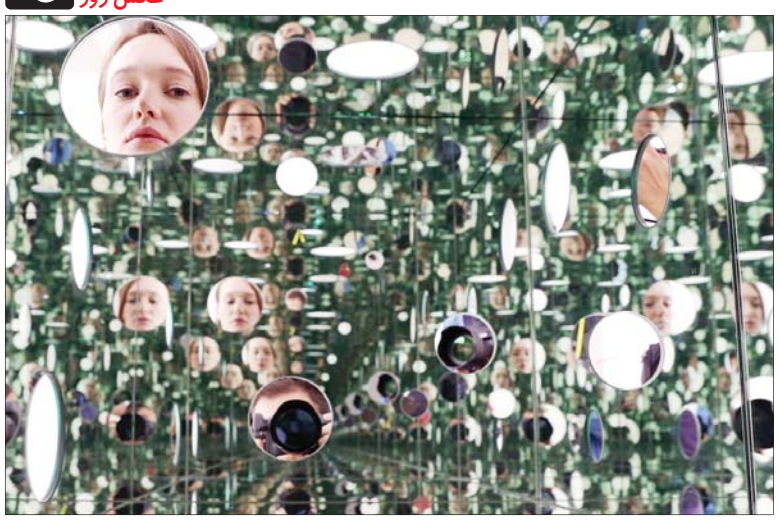

موزه تیت‌مدرن

زنان و فرهنگ‌های غیرغربی در نگارخانه هنرهای مدرن در لندن بریتانیا (Tate Modern) جای بیشتری را به خود اختصاص داده‌اند. در پی توسعه این نگارخانه ساختمان جدیدی به آن اضافه شده که (Switch House) نام دارد و در آن یک اتاق کامل به آثار هنری زنان هنرمند اختصاص یافته است.